

خاندان فروغی *

مقصود از این مقدمه شرح حال مرحوم فروغی (میرزا محمدعلی خان ذکاءالملک) نیست - چه بعقیده من در آن باره کتابی جداگانه باید نوشت که مشتمل باشد بر شرح آثار و سرگذشت زندگانی سیاسی و ادبی وی و پدرش مرحوم **میرزا محمدحسین خان فروغی** اصفهانی صاحب روزنامه تربیت - و جدش **آقامحمد مهدی ارباب مؤلف کتاب نصف جهان** در تاریخ اصفهان - و دیگر رجال بزرگ این خاندان که هر یک بنوبت خود بهره‌ی از خدمات ادبی و سیاسی دارند و از مفاخر روزگار خویش شمرده می‌شوند .

سرگذشت جامع زندگانی فروغی و خانواده و اسلاف او را اگر با تحقیق و تتبع و بی‌طرفی کامل تألیف و وقایع احوال آنها را بی‌کم و زیاد در آن درج کنند بنظر من کتابی بسیار نافع و حاوی نکات و دقائق علمی و ادبی و اخلاقی و سیاسی بسیار مهم سودمند خواهد بود و شایستگی آنرا خواهد داشت که هم سرمشق و راهنمای جوانان روشن فکر مخصوصاً طبقه دانشجویان باشد و هم مایه عبرت و بند پیران سالخورده بخصوص زمامداران کشور واقع شود .

این بنده در کتاب **دانشمندان اصفهان** که یکی از مجلدات و اجزاء تاریخ اصفهانست و آرزو دارم روزی این کتاب را که حاصل بیست و چند سال زحمت ورنج و مشقت و یادگار بخش عمده زندگانی و یربهارترین ایام عمر من است چاپ شده در دسترس فرزندان کشور و پروردگان این آب و خاک بینم . «وزان یس تن بی‌هنر خاک راست» ، بمناسبت اینکه خاندان فروغی پدر بر پدر همه اصفهانی و از معارف آن شهر بوده‌اند تراجم احوال ایشان را تا آنجا که اطلاع داشته نگاشته‌ام و مطالبی که اینک بنظر خوانندگان میرسد مأخوذ از همان کتابست .

سلسله نسب فروغی

سلسله نسب مرحوم میرزا محمدعلی خان فروغی مطابق آنچه از روی نوشته‌ها و اسناد خطی خانوادگی و گفتار معمرین مطلع آن خاندان بدست آمده تا ده‌هشت بدین قرار است :

محمدعلی خان بن - محمدحسین خان بن - آقامحمد مهدی ارباب بن - حاج محمد رضا بن - حاج میرزا کاظم بن - میرزا کوچک بن - میرزا ابو تراب بن - میرزا محسن بن - میرزا جواد بن - حاج ملامؤمن اصفهانی .

* مرحوم محمدعلی فروغی طاب تراه در آذرماه ۱۳۲۱ وفات یافت (وای از فروغی = ۱۳۳۱). بمناسبت یازدهمین سال وفات آن جناب از استاد بزرگوار آقای جلال‌الدین همایی استدعا شد در احوال آن مرحوم مقالتهی مرقوم فرمایند و نهایت امتنان است که تحقیقاتی چنین دقیق درباره خاندان فروغی بمرض مطالعه خوانندگان مجله بنما می‌گذرد . در بیان احوال مرحوم محمد حسین ذکاءالملک فروغی جز چند سطر بی‌نوشته‌اند و مقاله خود را پایان بخشیده‌اند ، ما آن چند سطر را و کلمه « پایان » را نیز حذف کردیم بامید اینکه آن قسمت را هم بتفصیل مرقوم و مرحمت فرمایند .

و اما « تاریخ اصفهان » از بهترین تألیفاتی است که وزارت فرهنگ در صد چاپ آن است و امیدست در سال آتی به توفیق این خدمت نصیب افتد . حبیب بنمائی

حاج ملا مؤمن یشت دهم فروغی درعهد سلطنت شاه صفی صفوی (۱۰۳۸-۱۰۰۲) میزیست. میرزا کوچک یشت پنجم وی در تاجگذاری نادرشاه افشار در دشت مغان بسال ۱۱۴۸ قمری جزو نمایندگان اصفهان بود.

از حاج محمد رضا فرزند حاج میرزا کاظم دویسر و یک دختر باقی مانده - پسرانش یکی **حاج محمد هادی** نام داشت که از وی اعقاب نامند - پسردیگر **آقا محمد مهدی ارباب** است که رشته نسب فروغی بدومی پیوندد.

از دختر حاج محمد رضا نیز رشته بی جدا شده که دنباله اش هنوز در خود اصفهان باقی است.

آقا عبدالحسین ارباب

یکی از معارف این رشته در اصفهان مرحوم **آقا عبدالحسین ارباب** است که معاصر آقا محمد مهدی بود و درعهد ریاست مطلقه علمی و روحانی مرحوم **حاج سید اسدالله بیدآبادی** متوفی ۱۲۹۰ که اعلم وافقه و اروع علما و پیشوایان روحانی عهد خود بود و او را در بعضی جهات حتی بر پدرش حجة الاسلام **حاج سید محمد باقر شقنئی** بیدآبادی متوفی ۱۲۶۰ ترجیح میدادند، میزیست و مورد وثوق و اعتماد وی بود و از طرف او امین و قیم و متولی امور صغار و محجورین و موقوفات می گردید و بدین سبب محسود و مینغوض عموم و قف خواران و مستأکله مخصوصاً اشخاصی بود که می خواستند بعنوان وراثت در موقوفات و اموال محبوسه آباء و اجدادشان بدون نظر و استصواب دیگران مداخله داشته باشند و چون می دانستند که در قلمرو تصدی و مباشرت او که مردی کارداران و امین و درستکار بود مداخلات نا مشروع و حیف و میل اموال ممکن نیست بحیله ها و تزویرهای شرعی و سیاسی و تهمت های نسبی و دینی که در آن ایام معمول و متداول و حربیه دست بداندیشان و بدستگالان بود متمسک می شدند و انواع تهمت و افترا بدومی بستند و سعایت بکار می بردند تا او را در نظر سید از اعتبار بپندازند و این سنگ بزرگ را از پیش پای منافع و اغراض خود بردارند اما قدرت و نفوذ و فهم و فراست سید بحالی پیشرفت مقاصد این طایفه نمی داد.

آقا عبدالحسین ارباب نزد مرحوم **حاج سید جعفر** متوفی ۱۳۲۰ قمری از برادران حاج سید اسدالله که بعد از وی امامت مسجد سید و ریاستی داشت همچنان مقرب و مورد وثوق و امانت بود و از طرف وی در تولیت امور سابق باقی و برقرار ماند. ولیکن در این زمان که رونق جاه و جلال خاندان سید رو بکاهش گذارده بود و بساط قدرت و ریاست مطلقه عظیم آن خانواده جلیل برجیده میشد بحالی بدست دشمنان دیرینه ارباب افتاد تا دست او را با همدستی ایادی دیگر و بزور اهانت و هتک حرمت و ضرب و شتم از کارها کوتاه و اموال موقوفه و محبوسه را بدیخواه تصرف کردند.

باری رشته اعقاب دختری حاج محمد رضا هنوز در اصفهان باقی است.

اما اعقاب پسری از آقا محمد مهدی ارباب جدا میشود.

آقا محمد مهدی ارباب

آقا محمد مهدی مردی فاضل ادیب روشن فکر تحصیل کرده بود - در تجارت و وزارت سر رشته کافی داشت و از همین راه کسب معاش میکرد - با علوم و معارف جدید اروپایی که در آن زمان تازگی داشت آشنا شده و مخصوصاً هیئت و جغرافیا را بدو طرز قدیم و جدید خوب آموخته بود. در فنون شعر و ادب و تاریخ و استیفا بعد کافی دست داشت - و از جمله پیشقدمان ترویج معارف تازه اروپایی مخصوصاً هیئت جدید در اصفهان بود و کتابی هم در این موضوع تألیف کرد.

قامتی بلند و ابروان پر موی پیوسته داشت و عمامه تاجری بر سر می گذاشت - و در اصفهان بسیار معروف و سرشناس بود .

صادق مالارچب متوفی ۱۳۰۵ قمری شاعر معروف فکاهی هزال اصفهان که بزبان عامیانه محلی شعری ساخته قدبلند ارباب را بشوخی مورد تشبیهات قرار داده است .
 ارباب با مرحوم **حاج میرزا محمدعلی امام جمعه اصفهان** متوفی ۱۳۰۰ هـ ق (۱) و مرحوم **حاج میرزا علی** منشی انصاری اصفهانی متوفی ۱۳۰۵ قمری (۲) معاشرت و دوستی گرم داشت . ولادتش در حدود سال ۱۲۳۴ و وفاتش در سنه ۱۳۱۴ هـ ق اتفاق افتاده و در قبرستان آب بخشان بخاک رفته است (۳) .

مرحوم اعتماد السلطنه در کتاب المآثر و الآثار که در سنه ۱۳۰۶ قمری تألیف کرده در جزو علماء و دانشمندان معروف عهد ناصری از وی نام برده و درباره او نوشته است :

« آقا محمد مهدی ارباب اصفهانی فاضلی است کامل و در تاریخ و جغرافیا و هیئت عتیق و جدید و نجوم و بطلمیوسی و اروپایی بمقامی عظیم نایل جغرافیای اصفهان از تألیف او در ذیل جراید دولتی بطبع رسید و تاریخی می نویسد بر اصفهان موسوم بنصف جهان » - ص ۲۲۰ .

از جمله آثار برگزیده آقا محمد مهدی تصحیح و طبع **شاهنامه فردوسی و تاریخ و صاف** است که هر دو در بیستی چاپ شده و مخصوصاً تاریخ و صاف که باهتمام و مقابله و تصحیح وی با حواشی و توضیحات عالمانه فارسی و عربی بضمیمه فهرست و شرح لغات مشکله فارسی و عربی و ترکی کتاب در سنه ۱۲۶۹ قمری بطبع رسیده صحیح ترین و زیباترین چاپهای آن کتاب و نموداری از شاهکارهای مطبوعات فارسی و گواهی صادق بر درجه تبخّر و تضرع ارباب در فنون ادب عربی و فارسی و فلسفه و هیئت و نجوم و تاریخ و جغرافیا است . از باب خبرت می دانند که درست خواندن و دریافتن لطایف و دقائق کتاب و صاف چه اندازه وسعت اطلاعات متنوع علمی و ادبی لازم دارد و مابین ادبا و علمای عصر حاضر در همه ایران جز معدودی انگشت شمار کیست که از عهده این کار بر آید ؟

باری عنایت و توجه داشتن ارباب باین نوع خدمات علمی و ادبی در آن زمان بهترین دلیل فضل و ادب و برجستگی و امتیاز فکری و ذوقی او از امثال و اقران است .

مهمترین یادگار مؤلفات آقا محمد مهدی ارباب **کتاب نصف جهان** است در تاریخ و جغرافیای اصفهان که تألیف آنرا در سال ۱۳۰۳ قمری شروع و در ماه رجب ۱۳۰۸ ختم کرده و نسخه اش خطی

۱ - ماده تاریخ وفات او را مرحوم حاج میرزا علی انصاری گفته است « گفت انصاری فقد غاب الامام » .
 ۲ - حاج میرزا علی انصاری از بزرگان و نواد فضل و ادب بوده و خلف صادقش حضرت فاضل دانشمند شهیر آقای حاج میرزا حسن خان شیخ جابری انصاری است اطل الله بقاءه که مؤلفات ایشان را ارباب فضل و ادب دیده اند .

۳ - **آب بخشان** یا **آب بخشگان** یکی از محلات قدیم اصفهانست - چون در این محل مقسم آب نهر فدن [= فدن که عامه مادی فدا میگویند] و غیره بطریقی که هم اکنون موجود و مشهود است واقع شده از زمان بسیار قدیم قبل از عهد اسلام آنجا را آب بخشان (= آب بخشگان) یعنی محل تقسیم آب نامیده اند - قبرستان آب بخشان از مقابر عمومی معروف اصفهان بود که چند سال قبل در خیابان بندی و تغییرات تازه شهر یکی از بین رفت - فلکه جدید آب بخشان بخشی از آن قبرستان است که شهرداری اصفهان بی سبب نام ریای قدیم معنی دار آنرا تغییر داده و از هر حیث بی سلیقهگی بکار برده است !

و کمیاب است (۱).

بطوری که خود در مقدمه کتاب می نویسد اول بار در سنه ۱۳۰۰ رساله بی مختصر در وصف اصفهان و شرح بلوک و توابع آن نوشته بود (۲) - چون آن رساله را برای بیان مقصود کافی ندانست مجدداً در سال ۱۳۰۳ تألیف تازه آغاز کرد و رساله قدیم را لباس جدید ببوشانید و بمناسبت اشتها ر اصفهان باین صفت و لقب آنرا نصف جهان نامید .

این کتاب نیز هر چند برای تاریخ و جغرافیای اصفهان بهیچوجه کافی نیست ولیکن با همه ایجاز و اجالش متضمن مطالب مهم سودمند می باشد که راقم سطور در کتاب تاریخ اصفهان خود از آن بسیار استفاده و مکرر نقل کرده ام .

سبک انشاء ساده بر رمز کتاب و مطالبی که در آن درج شده است از مراتب فضل و ادب و درایت و فهم و فطانت و حسن عقیدت و یختگی فکرو قلم و خوش سلیقگی و ذوق مؤلف بخوبی حکایت میکند . آقا مهدی در امر زراعت و تجارت ایران افکار و نظرای عاقلانه و پیشنهادهای نافع داشته که پارمی از آنها را در کتاب نصف جهان ذکر کرده است .

مراتب اطلاع و علاقه مندی او بفن نجوم و هیئت هم از مسطورات این کتاب واضح می شود - از جمله در فصل مقدار شب و روز اصفهان تحقیقی را که خود در تعیین عرض بلد و مقدار اطول و اقصر ایام اصفهان داشته است یاد می کند .

در سنه ۱۲۹۱ قمری جمعی از منجمان فرنگک برای مشاهده مرور کوکب زهره بوجه شمس با اصفهان آمده و اینجار صد کرده و ضمناً گفته بودند که عرض بلد اصفهان تقریباً یکدرجه زیادتر از آنست که قدا تمین کرده اند .

آقا مهدی اینجا اظهار تأسف می کند که آن سال در سفر بوده و در اصفهان حضور نداشته است تا خود از منجمان اروپایی تحقیق کند ، کسی دیگر هم در اصفهان باین امور توجه نداشته است ؛ «حقیر در آن وقت با اصفهان نبوده که از روی دقت از ایشان تحقیق دقایق و ثوانی را هم نموده باشد و کسی دیگر هم باین خیال نیفتاده و باهمال گذشته است لکن بنده قبل از استماع این مطلب اطول ایام این شهر را بوقت رسیدن آفتاب بنقطه انقلاب صیفی زیاده از قدر مرقوم (۱) بقلیلی یافته بودم و تا چهارده ساعت و ربع بطور تقریب و تخمین فهمیده و دانسته و اقصر ایام را در زمان وصول شمس بنقطه انقلاب شتوی نه

۱ - اصل نسخه این کتاب را شیندلر اروپایی در ایام اقامت طهران بدست آورده و از ایران خارج کرده بود و اعقاب مؤلف یعنی خاندان قزوگی از آن اطلاع نداشتند تا اتفاقاً مطلع شدند و آنرا بامانت گرفته استنساخ کردند و نسخه بحدالله از افراد و انحصار بیرون آمد - بتازگی نیز نسخه عکسی از روی اصل کتاب بتوسط حضرت فاضل ارجمند آقای مجتبی مینوی سلمه الله برای کتابخانه ملی تهیه شده و در حقیقت نسخه اصل بایران برگشته است .

۲ - ظاهر آ همین رساله است که در باور قری روزنامه ایران قدیم چاپ شده و عمده مطالبش راجع بجغرافیا و شرح بلوک و توابع اصفهانست .

۱ - یعنی چهارده ساعت و هشت دقیقه که در سطور قبل مطابق قول معروف مرقوم داشته است . راقم سطور هم از روی زیچ بهادری استخراج کرده اطول ایام اصفهان ۱۴ ساعت و ۸ دقیقه و از روی زیجات جدیدتر ده دقیقه در آمد اما بواسطه انکسار شعاع ممکن است تا ۱۴ ساعت و ۱۵ دقیقه هم طول بکشد و شرح آنرا در تاریخ اصفهان خود نوشته ام .

ساعت و جهل و پنج دقیقه تقریباً یافته و دانسته‌ام و بیساری ذکر آنرا هم نموده تا این قره از این طایفه بروز نموده و امر ظاهر گشت .

آقا مهدی مردی شیعی متدین بوده اما بمقاید خرافی و شهرتهای عامیانه نمی‌گرویده و امری را بدون تحقیق و تثبیت باور نمی‌کرده و نمی‌پذیرفته است .

نسبت بائمه شیعه و سادات و امامزادگان معتقدانه اظهار خلوص میکنند و قضیه‌ی بی‌راکه شب‌دوشنبه ۱۴ جمادی‌الاولی از سال ۱۲۹۹ قمری در مدرسه شیعیه محله در دشت اصفهان اتفاق افتاده و دختری کور در اثر توسل بحضرت سیدالشهداء علیه‌السلام شفا یافته و هنگامه‌ی عجیب در شهر بر پا شده است خود آقا مهدی از طرق مختلف تحقیق و تفتیش کرده و چون بصحّت واقعه اطمینان کامل بهم رسانیده آن را با شرح و تفصیل هر چه تمامتر در کتاب خود آورده است . - و شرح این واقعه هم دلیل بر مراتب خلوص و صفای عقیدت اوست و هم درجه دیر باوری و تحقیق و احتیاط او را در قبول و نقل حکایات و وقایع نشان میدهد .

مرحوم ارباب بقصد طبع کتاب و صاف و شاهنامه که مدتی صرف تصحیح و مقابله نسخ آنها کرده بود و ضمناً برای تحصیل معلومات جدید و اندوختن تجارب تازه به هندوستان سفر کرد و مدتی در بمبئی اقامت داشت و در حدود سنه ۱۲۷۳ قمری باصفهان برگشت و علوم و تجاربی را که آنجا آموخته بود در وطن خود رواج داد .

از جمله طرز تریاک‌مالی را برای تجارز خارجه بطوریکه هم اکنون معمولست وی اول بار معمول ساخت - عمل زراعت آنرا نیز مرتب تر و متداولتر از سابق کرد خود او در این باره مینویسد :
«عمل تریاک اصفهان و غیره اگر تقلبی در آن نشود همیشه در ترقی خواهد بود - تقریباً سی سال قبل از این که مسود اوراق از سفر هند مراجعت نموده بایران آمدم بطرزی که در آنجا آنرا آموخته بودم درست نموده که پسند اهالی خارجه بشود و عمل زراعت و تجارت آنرا جاری نمودم . از سالهای اول عمل آن بدست وسی صندوق بود الحال که سال ۱۳۰۳ است باین مقدار رسیده است [یعنی دوهزار صندوق الی سه هزار صندوق که درسطور قبل نوشته است] و سایر بلاد از قبیل یزد و شیراز و غیرهما نیز از این بلد آموخته‌اند و عمل زراعت و تجارت آنرا جاری نمودند .

شیرینترین ره آوردهای او از سفر هندوستان طریق زراعت بيشکر بود که چندین سال بعد از مراجعتش خواست آنرا نیز در اصفهان رواج بدهد و برای این کار باغ نمونه از املاک شخصی خود در قریه ناجوان [= ناجوان] ماریین حدود نیم فرسخی شهر درست کرد و در این کار اصرار وجد و جهدی داشت ولیکن در اثر سرزنش و سقط گوی‌های حاکم مقتدر وقت ظل السلطان مسعود میرزا که این عمل را در اصفهان ممنوع و بی‌حاصل میدانست بکلی دست از این کار برداشت و دیگر در مقابل عقیده حاکم ایستادگی و انکار بخرج نداد !

از آقا محمد مهدی ارباب یکدختر بنام **فاطمه سلطان بیگم** و یک پسر بنام **میرزا محمد حسین خان** (ذکاء‌الملک فروغی اول) باقی ماند .

از دختر ارباب اعقاب نمانده و فقط رشته نسب از میرزا محمد حسین خان باقی و جاری است .